سال اول • شماره ۱ • پاییز و زمستان ۱۳۹۵ نشریه‌ی هنرهای صناعی اسلامی
صفحات: ۳۹-۴۶
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۱ •• تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۰

بررسی کارکردهای هویت‌بخش هنر شهری دیوارنگاری در شهر ایرانی اسلامی

دکتر بهنام زنگی*
عضو هیات علمی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت‌مدرس
سید بدرالدین احمدی
مربی آموزشی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت‌مدرس

چکیده

دیوارنگاری از جمله هنرهای شهری است که از ظرفیت ها و کارکردهای شهری و ساختار فرهنگی و تاریخی قابل‌توجهی برخوردار است. حضور این هنر در فضای شهری و کارآیی‌های آن در فرهنگ، هویت ملی، حیات جمعی شهری، امورتجاری، تبلیغات و آموزش های شهروندی امری انکارناپذیر است. دیوارنگاری یکی از شاخه های هنرهای تجسمی است. آن چه که شناخت ما را از پیرامون‌مان سازماندهی می کند، تصویری است که از آن در ذهنمان شکل می گیرد. اعلام، اشاعه و تحکیم مواضع فرهنگی و بنیان‌های هویتی در شهرهای ایرانی می‌تواند از طریق آثار دیوارنگاری صورت گیرد و دیوارنگاره‌ها می‌توانند به تطبیق سیمای شهر با هویت و فرهنگ آرمانی آن کمک کنند. اهمیت تصویر در شهر، به ویژه زمانی که در قالب اثر هنری ارایه می شود، از این جهت است که می تواند کارکردهای متعددی داشته و در جایگاه های مختلف، ایفای نقش کند. سه رویکرد و عملکرد دیوارنگاره ها به‌عنوان تصاویر هنریِ شهری شامل «هنری»، «ارتباطی» و «کاربردی» در سه ساحت «هنرهای تجسمی»،«ارتباطات اجتماعی» و«معماری-شهرسازی» است که منظر، کالبد و فضای شهری را تحت تاثیر قرارمی‌دهد. پژوهش حاضر با روش تحلیلی- توصیفی به دنبال تبیین کارکرد دیوارنگاره‌ها در هویت‌بخشی شهری و کمک به بازآفرینی هویت ایرانی-اسلامی در شهرهای ایرانی است. نقش هویت ساز دیوارنگاری شهری از طریق شناسایی کارکردهای آن در حوزه های پیرامونی‌اش شامل«هنرهای تجسمی»، «ارتباطات اجتماعی» و «معماری-شهرسازی» قابل شناسایی و معرفی است. بررسی سه محور «ارزش های فرهنگی-هنری»، «ظرفیت گفتمانی و رسانه‌ای» و نیز «کارکردهای زیباسازی و تزیینی» به‌عنوان حوزه‌های مهم اجتماعی که خروجی و تاثیرات دیوارنگاری در آن‌ها قابل تشخیص، ارزیابی و تحقق است، بر ما روشن می‌سازد که دیوارنگاری شهری به‌عنوان یک هنر شهری با پشتوانه های چشمگیر تاریخی، هنری، فرهنگی و اجتماعی، در زمینه هویت‌بخشی به فضاهای شهری، از قابلیت‌های ویژه‌ای برخوردار است. فرض این پژوهش بر این مساله استوار است که هویت‌بخشی دیوارنگاری به شهر ایرانی-اسلامی می تواند از طریق اشاعه و تحکیم الگوهای تبیین شده برای شهر اسلامی در ساحت‌های هنر، ارتباطات و معماری محقق شود.

واژگان کلیدی:
دیوارنگاری، هنرهای شهری، هویت شهری، هویت ایرانی اسلامی، ارتباطات اجتماعی

* نشانی پست الکترونیک نویسنده مسئول: b.zangi@yahoo.com

[Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2026-11-25]

مقدمه

دیوارنگاری از جمله هنرهای شهری است که علاوه بر ظرفیت‌ها و کارکردهای شهری، از ساختار فرهنگی و تاریخی قابل‌توجهی نیز برخوردار است. حضور این هنر در فضای شهری و کارآیی‌های آن در فرهنگ، هویت ملی، حیات جمعی شهری، امور تجاری‌سازی، تبلیغات و گسترش پیام‌های اخلاقی، امری انکارناپذیر است. قرارگرفتن این هنر در میان سه ضلعی هنر نقاشی، معماری- شهرسازی و ارتباطات اجتماعی (نمودار ۱) باعث شده است که در هر یک از این اضلاع به میزان ارتباط موضوعی و کاربردی، توجهی گذرا و فارغ از اقتضای اضلاع دیگر به این هنر شده و نگرشی جامع و متناظر بر هر سه ضلع یاد شده به‌طور همزمان به این هنر نشود. رابطه آثار دیواری را با سه عرصه یادشده به‌شرح زیر می‌توان بیان کرد:

عرصه هنر: دیوارنگاری به‌عنوان یکی از عمده‌ترین روش‌های تولید هنری در زمینه هنرهای تجسمی بوده و به لحاظ قدمت تاریخی، ارزش استنادی، ویژگی‌های هنری و قابلیت‌های زیباسازی و هویت‌بخشی، در زمره مهمترین رشته‌ها و گونه‌های هنری است. میزان اثربخشی دیوارنگاری و ارزش و نقش‌آفرینی این هنر باید از سوی پژوهشگران هنر مورد توجه قرارگیرد.

عرصه معماری و شهرسازی: دیوارنگاره‌ها یکی از موثرترین ابزارهای طراحی شهری هستند که از این منظر توجه جدی و درخوری به آن‌ها نشده و نقش آن‌ها در زیباسازی محیط، هماهنگی فضاهای شهری، پیشبرد اهداف طراحی‌شهری و ارتقای کیفیت آثار معماری نادیده گرفته شده است. ارزش‌های کارکردی و پیوستگی دیوارنگاری با شهرسازی باید از سوی پژوهشگران حوزه معماری، شهرسازی و طراحی شهری، مورد مطالعه قرارگیرد. «تفکیک معماری و نقاشیدیواری مشکل است، چرا که معماری، خود مجموعه‌ای از فضاها و حجم‌های رنگی با ویژگی‌های گوناگون بصری می‌باشد و به‌واسطه همین سطوح رنگی، اجسام رنگی و فرم‌هایی که به خودی خود یک اثر هنری مستقل محسوب می‌گردند با نقاشی‌دیواری در ارتباط قرارمی‌گیرد». (کفشچیان‌مقدم، ۱۳۸۳: ۷۶)

عرصه ارتباطات اجتماعی: آثار دیوارنگاری در محیط به‌مثابه رسانه‌ای ساکن و گویا که همواره در حال انتقال پیام‌اند، عمل می‌کنند. ظرفیت و عملکرد ارتباطی دیوارنگاره‌ها و تاثیرات اجتماعی آن‌ها

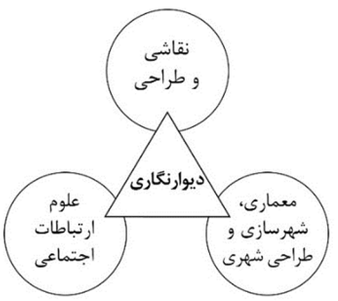

نمودار ۱: دیوارنگاری شهری و حوزه‌های سه‌گانه پیرامون آن ماخذ: نگارندگان

هرگز آن‌چنان که باید مورد توجه و مطالعه قرارنگرفته است. ظرفیت‌های ارتباطی و کارکردهای اجتماعی ناشی از آثار دیوارنگاری باید از سوی پژوهشگران ارتباطات و علوم اجتماعی، مورد توجه و مطالعه قرارگیرد.

فقدان مطالعه و در نتیجه آن، عدم شناخت کافی نسبت به هنر و مهارت دیوارنگاری از سوی سه عرصه یادشده، آن را به هنر و مهارتی مهجور تبدیل کرده است که به‌رغم استفاده مداوم و تولید متکثر آن در محیط‌های شهری، کمتر به نمونه‌های موفق و ارزشمند، مطابق با ارزش‌های انسانی فاخر، مفاهیم و مصداق‌های ذاتی و قابلیت‌های متنوع این هنر برمی‌خوریم. این درحالی است که وقوع هنر دیوارنگاری در بین سه ضلع یادشده می‌تواند به بهره‌مندی این هنر از ظرفیت‌های افزوده‌شده ناشی از این پیوند و ارتقای ماهیتی و کارکردی بینارشته‌ای منجر شود. در پژوهش حاضر با فرض تاثیر دیوارنگاری شهری بر هویت شهری از طریق سه گانه هنر، معماری و ارتباطات، به چگونگی ایفای نقش آن در هویت‌بخشی به محیط پیرامونی پرداخته شده است.

سوال‌های اصلی این پژوهش عبارتند از:

۱. آیا دیوارنگاری شهری در روند شکل‌گیری فرهنگ جمعی و احیای هویت شهری تاثیرگذار است؟
۲. دیوارنگاری شهری از طریق رویکردهای مختلف خود، چه تاثیراتی بر کیفیت هویت شهری دارد؟

روش پژوهش

در این تحقیق، از روش تحلیلی- توصیفی همراه با خمیرمایه اکتشافی در حوزه‌های علوم انسانی، فرهنگ، هنر و ارتباطات اجتماعی استفاده شده است. لازم به‌ذکر است که هدف اصلی از این پژوهش، تبیین نقش کارکردی دیوارنگاره‌ها در هویت‌بخشی شهری و کمک به بازآفرینی هویت ایرانی- اسلامی در شهرهای ایرانی است.

چارچوب نظری تحقیق

۱. هنرهای شهری

هنرهای شهری به مجموعه‌ای از رشته‌های هنری، تولیدات و آثار هنری اطلاق می‌شود که در محیط اجتماعات شهری امکان طراحی، تجلی و عرضه می‌یابد. این هنرها طیفی از نماسازی در منظر، گرافیتی، خوشنویسی، دیوارنگاری، احجام و مجسمه‌سازی، باغ‌آرایی، تبلیغات محیطی، مبلمان شهری و نظایر آن را در بر می‌گیرند. هر چند هر یک از موارد یاد شده به یکی از عرصه‌های تخصصی یا شاخه‌های هنری تعلق دارند، اما کارکرد آن‌ها در فضای شهری و امکان استفاده از آن‌ها در راستای ترسیم، ترمیم و جلوه‌بخشیدن به سیمای شهر، آن‌ها را تحت تعریف نسبتاً جدیدی از هنرهای شهری قرار داده است. ماهیت هنرهای شهری، استفاده عمومی از آن‌ها در محیط شهری است.

[Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2026-11-25]

نقش‌آفرینی و کارکرد هنرهای شهری از طریق ارزیابی کارآیی آن‌ها در زمینه زیباسازی، هماهنگ‌سازی و هویت‌بخشی به محیط‌های شهری قابل بررسی است. «اجزای تشکیل‌دهنده شهر درصورت تبعیت از اصول ترکیب و هماهنگی در رنگ‌ها، فضایی مطلوب و آرامش‌بخش برای شهروندان خواهد ساخت» (بیجاری،کبیر، 1387: 51). هنرهای شهری نیز در صورت تبعیت از الگویی نظام‌مند و هماهنگ می‌توانند در ایفای نقش فرهنگی خود عملکردی موفق داشته باشند.

۲. دیوارنگاری

هنر دیوارنگاری[1] از منظر این پژوهش به‌هرگونه روش و فنون ایجاد تصویر و نقش‌برجسته با مواد و مصالح مختلف اطلاق می‌شود که بر روی دیوارهای دست‌ساخته یا دیواره‌های طبیعی و دیگر انواع نماها و جداره‌ها که در محیط‌های عمومی باز و بسته وجود دارد، اجرا می‌شود.

«نقاشی‌دیواری شهری از انواع دیگر نقاشی به‌واسطه ویژگی‌های تبلیغاتی آن‌ها، متمایز است؛ به‌عبارت دیگر آثار این هنر در مکان‌های عمومی برای عموم مردم تولیدشده‌اند» (AZADI, 2012: 5) . دیوارنگاری گونه‌ای از هنر نقاشی است که روی دیوارهای حاصل از صنعت معماری، دیواره‌های مصنوعی و سطوح طبیعی و انواع جداره‌ها کار می‌شود. دیوارنگاری یکی از روش‌های تولید هنری در حوزه هنرهای تجسمی است که به‌لحاظ قدمت و پیشینه تاریخی می‌توان آن را مادر هنرهای تصویری نامید، زیرا این هنر از اولین تجربه‌های انسان در ایجاد ارتباط، تجسم بخشیدن به انگاره‌های ذهنی و ثبت و روایت مکنونات اوست. آثار دیواری باقیمانده از اعصار مختلف جزو عمده‌ترین اسناد تاریخی و فرهنگی تمدن بشری هستند و ویژگی‌های هویت فرهنگی اجتماعی زمان خود را بازگو می‌کنند.

در بررسی تاریخی دیوارنگاری این نکته را باید در نظر داشته که «نقاشی‌دیواری در اعصار تاریخی، با آن‌چه ما امروزه به‌نام نقاشی‌دیواری می‌خوانیم خاستگاهی بس متفاوت دارد و این خاستگاه در هر دوره، بنا برشرایط و مقتضیات موجود، رنگ و بوی منحصر به‌خود را گرفته است. نقاشی‌دیواری در بستر زمان بنا بر محدوده تاریخی، معانی و مفاهیم متفاوتی را در برمی‌گیرد» (جلالی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۴). بررسی پیشینه این هنر[2] در ایران، نقش، اهمیت و کارکردهای متنوع آن را بر ما روشن می‌سازد. «دیوارنگاری ایران به‌عنوان یکی از تجلی‌های فرهنگ و هنر این سرزمین، پیشینه‌ای طولانی و چند هزارساله دارد که در طول تاریخ، افت و خیزهای بسیاری داشته است، اما همواره یکی از جلوه های فرهنگ و هنرپاک و اصیل ایرانی به‌شمار آمده است». (محمدبیگی، ۱۳۸۸: ۷۲) میزان استفاده از این هنر در دوره‌های مختلف بر حسب اوضاع سیاسی- اجتماعی و بر حسب کارکردی که از آن انتظار می‌رفته است، متغیر است. «نقاشی‌دیواری از دیرباز ابزاری بوده برای ابلاغ پیام، کمک به معماری، زیباسازی چهره‌ی شهری و در نهایت رسوخ در روح و روان مخاطبین گسترده‌ای که هر روزه در آمد و شد زندگی شهری نظرشان به نقاشی‌های‌دیواری گرایش پیدا می‌کند» (شاملو، ۱۳۷۸: ۲۰).

۳. هویت شهری

هویت شهری، به‌عنوان موضوع این پژوهش در واقع بستری فرهنگی و اجتماعی است که به‌واسطه برخورداری از نمادها، خصوصیات، خرده فرهنگ‌ها، سیاست‌ها و ساختار مادی- فیزیکی و کالبدی شهرها پدیدمی‌آید. شکل‌گیری شهرها از طریق تجمیع فرهنگ‌های مختلف و شهروندانی با اهداف و هویت‌های قومیتی و فرهنگی گوناگون، همواره آن‌ها را از نظر یکپارچگی و هویت با مخاطراتی مواجه می‌کند. «از آن‌جا که شهرها بیشترین هدف پیشرفت اقتصادی قرارگرفته‌اند و بیم نابودی هویت فرهنگی در آن‌ها بالا گرفته است، توجه به توسعه پایدار و توسعه فرهنگی در آن‌ها به مراتب اهمیت بیشتری یافته است» (معیدفر، ۱۳۹۱: ۲۰). این مساله ناشی از اهمیت فرهنگ و سرشاخه‌های متنوع آن در هویت‌بخشی به شهر است. «فرهنگ در شهر، نقشی ارتباط‌دهنده بین شهروندان در بستر فضاهای شهری ایجاد می‌کند و فقدان ارتباط در این زمینه، موجب بی‌هویتی و بحران هویت در شهر خواهد شد» (شفیعی‌کمال‌آباد، ۱۳۹۱: ۲۷۱).

خواستگاه فکری، دین، قومیت، شغل و پیشه، موقعیت اقتصادی، دانش و تحصیلات، از جمله عواملی هستند که از طریق ساختن هویت فردی شهروندان، هویت جمعی و هویت شهر را شکل می‌دهند. در نظام شهری، هر یک از عناصر فوق باید مطابق با میزان تاثیر خود مورد توجه باشند و حفظ، احیا یا ترمیم هویت مستلزم شناخت و احترام به این عناصر است. «چنانچه به تاثیر و نقش هر یک از هویت‌های مختلف در توسعه فرهنگی شهرها کم‌توجهی گردد، از مجموعه عوامل فرهنگی برجسته (مذهب، ملیت و غیره) گرایش صرف به یک یا دو هویت خاص، باعث نارسایی در توسعه فرهنگی شهر خواهد شد» (همان: ۲۹۶).

۴. شهر ایرانی-اسلامی

اساس هویت بخشیدن به شهرها برگرفته از هویت معنایی و اجتماعی آن‌هاست که این نوع از هویت بر کالبد هر فرد نیز اثر داشته و صفات ساختاری و ظاهری آن را نیز تحت‌الشعاع قرارمی‌دهد. شهر ایرانی اسلامی نیز از این منظر باید بیانگر صفاتی ملی و دینی باشد. «در قرآن‌کریم، در اشاره به مراکز جمعیتی دو نوع نگرش و معیار مطرح شده که یکی با مشخصات ظاهری و کالبدی آن‌ها سروکار دارد و دیگری با باطن و روح آن‌ها» (ملکی، و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۳). صفت ایرانیت شهرها می‌تواند تابع الگوها و دستاوردهای بومی ایرانیان در روند معماری و معیار شهرسازی باشد که در ترکیب با اسلام، معماری با شکوه اسلامی را در محدوده جغرافیایی تحت نفوذ فرهنگ ایران پدیدآورد. صفت اسلامیت نیز می‌تواند مبین نگرش اسلام به هویت و فرهنگ فرد مسلمان و اجتماعات مسلمانان باشد. وفق آیین اسلام با تمدن ایرانی که از زمینه‌های اصلی شکل‌گیری تمدن باشکوه اسلامی است، عناصر هویتی ایرانی را از ویژگی جدیدی برخوردار ساخت که همانا بینش اسلامی و دین اسلام بود. تمدن اسلامی، حاصل تلفیق باورها و نگرش اسلامی با فرهنگ‌های پیش از آن بود که در هر سرزمینی رواج یافته و اصول، فرهنگ و سنت‌های خاص خود را ایجاد کرده بودند. این امتزاج و هم‌آمیزی در معماری و شهرسازی نیز بروزی آشکار داشت. «در حدود یک قرن و اندی پس از ظهور اسلام، از آمیزش فرهنگ و تمدن‌های کهن منطقه، در چهارچوب آشتی اصول پذیرفته شده گذشتگان و خواسته‌های معنوی و اخلاقی و اجتماعی اسلام، آن‌چه امروز به نام تمدن اسلامی شناخته می‌شود، شکل‌گرفت. به‌تبع این اشتراک در هویت و عقیده، در مراکز جمعیتی این تمدن نیز

[Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2026-11-25]

عناصر کالبدی و شکل شهری مشترکی پدیدار شد» (همان: ۱۰۲).

اشارات قرآنی به مفاهیم متضادی چون نور و ظلمت، روح و جسم، فرشته و شیطان، کفر و دین، ظاهر و باطن، بهشت و جهنم حکایت از سطوح مختلف حیات دارد که جمعی از اضداد است و این مفاهیم آویزه گوش هنرمندان، متفکران و عارفان اسلامی نیز بوده و بر جهان‌بینی و جهان‌زیستی آنان سایه افکنده است (Petruccioli, 2002: 32).

لازم است الگوی شهرسازی اسلامی و ایرانی برگرفته از الگوی زیست ایرانی- اسلامی باشد؛ چرا که شهر مرتبه عالی زیست اجتماعی است. شهر ایرانی اسلامی به‌عنوان تجلی‌گاه کلان هویت ایرانی اسلامی باید چه از نظر کالبدی و چه از نظر فضای معنوی و گرایشات اجتماعی موجود در آن واجد دو رکن ملیت و آیین باشد و هویت شهری آن در این دو ساحت، برگرفته از فرهنگ ایرانی اسلامی باشد. این خصوصیت می‌تواند به‌عنوان رویکرد اصلی هنرهای شهری نیز مطرح باشد، زیرا تولید هنری اساساً بر پایه نگرش‌ها و باورهای رایج در جامعه صورت می‌گیرد و هنرهای عمومی باید تابعیت بیشتری نسبت به دیدگاه‌های فرهنگی و سنن اجتماعی داشته باشند. همان‌گونه که ساختار کالبد شهری تحت تاثیر فضای معنوی و فرهنگی شهر شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد، قاعدتاً هنرهای شهری نیز که به‌عنوان عناصر واسطه میان کالبد شهری و فضای معماری با فضای معنوی و هویت اجتماعی شهر عمل می‌کنند، باید در راستای تعالی این دو ساحت، از طریق تلاش برای هماهنگی و همسان‌سازی آن‌ها به‌کار گرفته شوند.

ویژگی‌های دیوارنگاری شهری

دیوارنگاری از جمله هنرهای تجسمی است که در زمینه تولید و بهره‌برداری دارای ویژگی‌های خاص است. ویژگی‌های تولید و عرضه اثر دیواری نسبت به هنر نقاشی یا سایر اقلام موجود در عرصه هنرهای تجسمی دارای بعدی کلان هستند. طراحی و تولید یک اثر دیواری بر حسب نوع، وسعت و محل استقرار آن می‌تواند یک پروژه هنری جمعی تلقی شود که تخصص‌ها، فنون و مهارت‌های متنوعی را در بر می‌گیرد. در بعد ارایه و بهره‌بردای نیز اثر دیوارنگاری دارای یک ارتباط کلان چه از نظر وسعت و چه از نظر قدمت است. یک دیوارنگاره شهری می‌تواند سالیان متمادی در معرض دید انبوهی از مخاطبان باشد و به صورت اجتناب‌ناپذیر دیده شود.

سه خصوصیت برجسته دیوارنگاری شهری در پیش‌تولید و طراحی، روش تولید و ارایه اثر به شرح زیر است:

الف- پیش‌تولید و طراحی موضوعی: به استثنای برخی آثار خصوصی یا اجرای آثار در شرایط خواصی مانند دوره انقلاب، آثار دیوارنگاری بر مبنای سفارش و پیشنهاد مدیریت شهری یا مراکزی که در این زمینه مجاز به فعالیت هستند، آغاز می‌شود. به دلیل حضور عوامل متعدد در تولید یک اثر دیواری، روند ایده‌پردازی، طراحی، اخذ تاییدیه‌ها و مجوزهای لازم، تولید این نوع از آثار هنری را دارای روشی سازوکارمند و نظام‌مند می‌سازد. طی مراحل اشاره شده تنها در صورت اعمال نگرش تخصصی و کارشناسانه است که می‌تواند به کیفیت اثر منجر شود و در غیر این صورت، فرآیند فوق صرفاً به اطاله زمان و هزینه‌های تولید منجر خواهد شد.

ب- روش‌های تولید: دیوارنگاری باید به‌دلیل ضرورت دوام و ماندگاری در برابر عوامل مختلف آسیب‌زا، با مواد و مصالحی ساخته و پرداخته شود که ضمن ثبوت بر روی دیوار یا هر نوع سطح مورد نظر هنرمند، با مصالح آن سطح سازگار باشد. «در طول تاریخ نقاشی‌دیواری، تکنیک‌های متنوع و بی‌شماری بنا به ضرورت‌های فرهنگی و اقلیمی به‌وجود آمده است که بر تجربه و مهارت نقاشان دیواری متکی بوده است (اسکندری، ۱۳۷۷: ۶۲) و این مساله ناشی از ضرورت ماندگاری آثار دیواری و تلاش هنرمند برای دستیابی همزمان به خصوصیات کیفی و ماندگاری مواد و مصالح است. همچنین دیوارنگاری در مرحله تولید از ویژگی چندمهارتی و چند تخصصی برخوردار است و با استفاده از تخصص‌ها، مهارت‌ها و حرفه‌های مختلف در جریان سفارش، طراحی، تولید، نظارت، نگهداری و مدیریت اجرا می‌شود.

پ- اجرا و پیاده‌سازی: اثر دیواری در مواجهه با مخاطبان از ارتباطی کلان از نظر زمان، مکان و عمومیت برخوردار است. هرچند این خصوصیات مثبت در صورت بی‌توجهی به عنصر کیفیت و جذابیت در اثر، به‌مرور زمان به عوامل منفی تبدیل می‌شوند و می‌توانند دیوارنگاره را به اثر بصری، خنثی و حتی زائدی تبدیل کنند؛ اما توجه کافی به ظرفیت‌های یاد شده می‌تواند به بهره‌برداری مطلوب از اثر دیوارنگاری در طول زمان منجر شود. دیوارنگاری «محصول شناخت هنرمند از عوامل و پارامترهایی است که نقاشی‌دیواری به‌عنوان هنری چندبعدی به‌انضمام آن‌ها معنا پیدا می‌کند». (کفشچیان‌مقدم، ۱۳۸۵: ۴۳) بنابراین رویکرد هنرمند و سفارش‌دهنده اثر باید مبتنی بر شناخت ظرفیت‌های کلان هنر دیوارنگاری در زمینه ارتباط با مخاطب باشد.

نقش فرهنگی و هنری دیوارنگاری شهری

دیوارنگاری به‌عنوان یکی از روش‌های نقاشی در ابعاد کلان و عمومی است که از این منظر به نقش هنری و فرهنگ‌ساز نقاشی نیز وسعت می‌بخشد. این هنر«بر مبنای ظرفیت‌های موجود در آن، همواره به‌عنوان عرصه‌ای مهم برای بیان دیدگاه‌ها، مواضع و بنیان‌های فرهنگی به‌شمار رفته است. عمومیت نسبی آثار دیوارنگاری و توانایی این آثار در بیان قوی پیام، همواره به آن اهمیت و کاربردی فرهنگی داده است» (زنگی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۸). نقش فرهنگی و هنری دیوارنگاری از طریق زیبایی و جلوه‌بخشیدن به فضای شهر و بیان مفاهیم موردنظر صورت می‌پذیرد. انتقال پیام در آثار دیواری به‌دلیل نمایش عمومی پیوسته آن و نیز برخورداری از زبان تصویر که به نسبت دیگر ساختارهای ارتباطی از اشتراک و فراگیری بیشتری برخوردار است، شکلی عمومی و فراگیر دارد. به همین دلیل، در دوره‌های مختلف تاریخی در تمدن ایران، عمده‌ترین پیام‌ها و مفاهیم از طریق آثار دیواری بیان و ثبت شده‌اند.

«خواستگاه فرهنگی آثار دیوارنگاری را می‌توان در عمیق‌ترین باورها و ارزش‌های اجتماعی و ضروری‌ترین مقتضیات اجتماعی آن جست. محتوای فرهنگی آثار دیوارنگاری از جمله منابع اطلاعاتی ما پیرامون ساختار و ویژگی‌های فرهنگی جوامع گذشته است و این قابلیت، امروزه نیز برای بازنمایی، اشاعه و تقویت اصول، معیارها و دیدگاه‌های فرهنگی جوامع مورد استفاده قرارمی‌گیرد» (همان: ۴۹).

برای درک اهمیت سیمای شهر و تاثیر حضور دیوارنگاره‌های

[Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2026-11-25]

شهری بر هویت شهر باید توجه داشت که فرهنگ و سلوک فردی شهروندان که فرهنگ جمعی و در نتیجه هویت شهر را شکل می‌دهد، حاصل تلفیق ذهنی برداشت‌های تصویری افراد با نگرش‌های ذهنی‌شان است. این امر حکایت از تاثیر شگرف سیما و جلوه‌های بصری شهر در شکل‌دهی به ایده‌ها، علاقمندی‌ها و گرایش‌های ذهنی دارد. با توجه به این که دیوارنگاره تصویری پیش‌بینی شده، سنجیده شده و طراحی شده است که با هدف دیده‌شدن و موثر بودن اجرا می‌شود، فراتر از تصاویر بی‌هدف و اتفاقی که در حین ساخت کالبد شهری به‌وجود آمده‌اند، می‌تواند بر روی مخاطبان اثر بگذارد. «توجه به دیدگاهی دقیق در مقوله فرهنگ و هویت با توجه به زمان معاصر ضروری است؛ زیرا برای ایجاد هر نوع اثر در شهر با توجه به مخاطب یا شهروند این مهم را باید در نظر گرفت که انسان باید در روند دریافت، تصویری ذهنی را از پدیده‌ای با عینیت موجود (تصویر) تطبیق و بدین ترتیب در فرآیندی قیاسی آن پدیده را تشخیص‌دهد؛ بنابراین، انباشته‌های ذهنی از تجربیات مستقیم تا زمینه فرهنگی، در دریافت ذهنی وی کاملاً تاثیرگذار است» (مهین‌فر، بلخاری قهی، ۱۳۹۱: ۳۳).

ابعاد و کارکردهای اجتماعی دیوارنگاری شهری

یکی از اهداف بنیادی هنرها، تعالی انسان است و بر این اساس منزلت و کارکرد اجتماعی آن‌ها به نسبت گستره و عمق اثرگذاری‌شان در جامعه بیشتر می‌شود. از سوی دیگر «فضاهای شهری محل تعامل مردم و حکومت است و نحوه شکل‌گیری فضاها، امری کاملاً اجتماعی است» (Varner, 2007: 25). هنر در تعامل با فضاهای شهری می‌تواند واجد خصوصیات اجتماعی و تعامل مردم با حکومت باشد. «ساختار اجتماعی نقاشی‌دیواری عناصری نظیر جایگاه، نقش، کارایی و سازماندهی عوامل فعال در آن را شامل می‌شود که در هر دوره‌ای و برحسب انتظاراتی که از نقاشی‌دیواری می‌رود، این عناصر امکان تغییر در تعریف، معیار و عملکرد می‌یابند» (زنگی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۷).

دیوارنگاری‌ها و دیوارنوشته‌ها کارکردهای متنوع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تبلیغاتی، اقتصادی و زیبایی‌شناختی دارند و می‌توانند حوزه‌های مختلف اجتماعی را پوشش‌دهند و به اموری همچون بیان و تبلیغ مواضع فرهنگی، آموزش شهروندی، ترویج هنجارهای اجتماعی، تجلیل و تکریم از اسوه‌ها و الگوسازی اجتماعی، اطلاع‌رسانی، هویت‌سازی و هویت‌بخشی، حفظ سنت‌ها، تقویت بنیان‌های ملی و تحقق ماهیت انسانگرایی شهرها جامع عمل بپوشانند. عملکرد دیوارنگاری در زمینه موارد اشاره شده و کارآیی آن در توسعه زندگی شهری، دیوارنگاری را به هنر شهریِ موثر بر محیط تبدیل کرده است.

«شهر محل زندگی و حضور شهروندانی است که در آن کار و رفت‌وآمد کرده [و] در تعاملات اجتماعی با یکدیگر دیدار و مراوده می‌کنند و بردانش خود می‌افزایند. خود را سرگرم ساخته، تفکر کرده و آمال و آرزوهایشان را می‌پرورانند» (حبیب، ۱۳۸۵: ۲۸). دیوارنگاری در صورت توجه و رویکرد مدیریتی تخصصی می‌تواند در جریان این تعاملات اجتماعی نقشی فعال، موثر و پویا داشته باشد. «با توجه به عوامل تاثیرگذار در روند تحول و تکامل نقاشی‌دیواری به‌عنوان عامل تاثیرگذار اجتماعی، به‌مرور شناخت قابلیت‌های اجتماعی و کارکردی آن درحوزه مدیریت شهری، مدیران شهری را بر آن می‌دارد تا نوع نگاه خود را نسبت به این هنر اصلاح‌کنند و با وقوف به تاثیرات اثر نقاشی‌دیواری بر محیط پیرامونی خود، به آن توجه ویژه داشته باشند» (زنگی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۰). بهره‌برداری از تاثیرات اجتماعی دیوارنگاری در راستای هویت‌بخشی و احیای فضای فرهنگی شهر علاوه بر داشتن دانش و مهارت هنری، مستلزم مطالعه و شناخت جامعه مخاطب و علاقمندی‌ها، مقتضیات و نیازمندی‌های آن از سوی سفارش‌دهنده و هنرمند است.

«کیفیت محیط عبارت است از کیفیت فضاهای طبیعی و انسان‌ساخت در ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی، به‌صورت مشترک؛ که دارای شاخص‌های عینی ناشی از محیط کالبدی (طبیعی و انسان‌ساخت) و شاخص‌های ذهنی (معرفتی، حسی و رفتاری) ناشی از بهره‌برداران و ساکنان محیط است» (ملکی، حبیبی،۱۳۹۰: ۱۱۴). هنر دیوارنگاری در کنار سایر هنرهای شهری می‌تواند از طریق ارایه پیام‌های معرفتی و زیباسازی و تلطیف محیط کالبدی در هر دو شاخص عینی و ذهنی یاد شده، ایفای نقش‌کند.

ویژگی‌های دیوارنگاری در انتقال پیام و ترویج معنا

در میان هنرهای مختلفی که بشر از طریق آن‌ها واجد خلق و انتقال معنا شده است، برخی هنرها از مزیت نسبیِ عمومیت، کیفیت و گستردگی ارتباط با مخاطب برخوردارند و دیوارنگاری نیز به‌دلیل نحوه ارایه و ارتباط با مخاطب، کارکردهای وسیع و عمیقی دارد. دیوارنگاری را علاوه بر یک عرصه هنری می‌توان به‌عنوان یک عامل ارتباطی تلقی کرد و از این منظر، هر دیوارنگاره یک رسانه است که از طریق زبان تصویر و گاه ترکیب آن با نوشتار، پیام خود را منتقل می‌کند. «رسانه، برگرفته از واژه لاتین مدیوم[3] است، به‌معنای «آن‌چه که در میانه- واسط قراردارد». کاربرد این واژه در وادی هنر حاکی از آن است که رسانه، مابین آن‌چه که هنرمند انجام می‌دهد و آن‌چه که بیننده یا مخاطب می بیند و مابین اندیشه و تحقق آن، متجلی است» (زنگی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰).

دیوارنگاری در جایگاه یک رسانه دارای ویژگی‌ها و مزیت‌های ارتباطی است که می‌توان به‌شرح زیر به آن اشاره‌کرد:

۱. برخورداری از تنوع شکلی و جذابیت گفتمانی
۲. برخورداری از مشروعیت ناشی از مشروعیت هنر، هنرمند و مضمون
۳. فراگیری پیام و توزیع و ارایه عمومی آن در سطحی وسیع
۴. تداوم زمانی ارایه پیام در اثر ماندگاری اثر دیواری.

«نقاشی دیواری یک رسانه برای ایجاد روابط اجتماعی است و این روابط علاوه بر جنبه‌های فرهنگی، از ساختاری کاملاً اجتماعی نیز برخوردارند» (فهیمی فر، ۱۳۹۱: ۲۴). براساس وظیفه ذاتی تاثیرگذاری[4] و ظرفیت‌های ناشی از ارتقای ساختار ارتباطی دیوارنگاری، عمومی‌شدن بیان هنری می‌تواند موجب تاثیرگذاری این هنر در مناسبات اجتماعی و کلیت نظام ارتباطی جامعه شود. هرچند بازدهی و خوانش اثر هنری به سواد بصری عمومی جامعه و ادراک بصری مخاطب وابسته است؛ اما آثار دیواری به دلیل ساختار عمومیت یافته‌شان، نسبت به دیگر هنرهای تجسمی شرایط بهتری در برقراری ارتباط با بدنه جامعه دارند. «نقاشی‌دیواری واقعاً هنری اجتماعی و

[Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2026-11-25]

پرمخاطب است. در این گرایش، هنرمندان تلاش می‌کنند تا با ابداع روابط بصری ممتاز و هماهنگ میان قابلیت‌های بصری موضوع و عناصر بصری در محیط، اثری منسجم و یکپارچه خلق نمایند» (کفشچیان‌مقدم، ۱۳۸۳: ۶۸).

عملکرد دیوارنگاری در هویت‌بخشی به شهر

از نظر زوکین[5] علاوه بر هویت فرهنگی و امنیت فرهنگی که دو بعد مهم فضای عمومی را می‌سازند، این فضا در چهارچوب دیگری و با عناصر دیگری نیز قابل بررسی است. عناصر اصلی این چهارچوب عبارتند از کنش متقابل اجتماعی[6]، معرف‌های بصری که جنبه زیباشناختی دارند، اصول اساسی کنش و واکنش، محدوده محلی و جهانی، خصوصی و عمومی و وحدت و کثرت. همه این‌ها در دو حیطه مکانی-اجتماعی یا محله‌ای رخ می‌دهد که اولی بار جغرافیایی و دیگری بار اجتماعی دارد (Zukin,1997).

زمانی که از عملکرد دیوارنگاری به‌عنوان یکی از عوامل و معرف‌های بصری در امر هویت‌بخشی به شهر صحبت می‌شود، باید توجه داشت که این عملکرد به واسطه ساختار هنر دیوارنگاری مستلزم پیش‌ساخت‌های مدیریتی و فرهنگی- هنری است. بدین معنا که اساس هویت موجود و موردنیاز شهر باید بر سفارش‌دهنده و هنرمند روشن باشد. شهرهای امروزی عرصه منازعات فرهنگی و هویتی‌اند و به‌ویژه در جوامع شرقی، با ورود فناوری‌ها و به تبع آن فرهنگ‌های غیربومی، هویت‌های چندگانه در شهرها پدید آمده است. چندگانگی هویتی شهرها در جوامعی که از هویت فرهنگی مدون و مشخصی برخوردارند، بیشتر به‌چشم می‌آید. «چندگانگی در فرهنگ و تمدن‌های اسلامی، ایرانی و غربی باعث شده است تا رویکردها و مبانی نظری توسعه فرهنگی شهرها به‌صورت عینی، در قالب معماری و شهرسازی و به‌طور ذهنی در رفتارها و اندیشه‌ها به‌عنوان ارزش‌های فرهنگی با یکدیگر تعارض‌هایی را در شهر ایجاد نماید» (شفیعی‌کمال‌آباد، ۱۳۹۱: ۲۶۹). «عنایت داشتن به عوامل فرهنگی تاثیرگذار نظیر هویت و اشکال هویت‌هایی که با تقسیم کار، جهانی شدن و مدرنیزم در ایران به‌طور هویت غربی شکل گرفت، شرایطی را به‌وجود آورد که نه تنها هویت‌های فرهنگی گذشته را تحت‌تاثیر خود قرارداد؛ بلکه با کثرت هویت‌های فرهنگی و اختلاط‌های مذکور، الگوهای ذهنی و عینی در رویکردهای نظری به توسعه فرهنگی شهرها دچار چندگانگی نظری شد». (همان: ۲۶۹) «در شرایطی که کارکرد و معنا دچار دوگانگی ساختاری هستند، الگوهای ارتباطی اجتماعی بیش از پیش دچار تنش می‌شوند» (کاستلز،۱۳۸۰: ۳۰) و هنر در این میان نقش کاهنده تنش را ایفا می‌کند و با معناسازی و هویت‌بخشی، عرصه روابط اجتماعی را تلطیف می‌کند.

دیوارنگاری می‌تواند نقش هر یک از هویت‌های موجود را در جامعه معرفی کرده و به اشاعه، تحکیم و بازآفرینی هویت شهری کمک کند. «هنر عمومی در فضاهای عمومی دارای کاربردهای گوناگونی می‌باشد از جمله: یادآوری خاطرات، بهبود منظر شهری، کمک به احیای اقتصاد در خلال توریسم و سرمایه‌گذاری، کمک به احیای فرهنگی و هنری، هویت‌بخشی به‌جامعه و پاسخگویی به سیاست‌های عمومی ارتقای زندگی شهری» (مرادی، ۱۳۸۶: ۸۵).

همچنین دیوارنگاری می‌تواند از ساختار چندفرهنگی یا چندهویتی شهر به‌عنوان فرصتی برای تنوع‌بخشی محیط استفاده‌کرده و هر یک از عناصر فرهنگ‌های موجود را به میزان وزن اجتماعی‌شان به‌صورت عناصری همراستا به‌کار گیرد. برنامه‌های فرهنگی و هنری و ساماندهی فضاها و طرح‌های فرهنگی شهری نیز باید مبتنی بر هویت متنوع و به‌روز شونده شهر باشد. با توجه به این که تولید هنری یکی از تجلی‌گاه‌های اصلی رشد، باور، اندیشه و هویت انسانی است، آثار هنری به‌طور طبیعی در پی بیان این مولفه‌ها هستند و هر رشته هنری به‌فراخور ساختار تولید و ارایه و نیز خصوصیات ادراکی دریافت‌کننده، از زبان و بیان خاص خود استفاده می‌کنند. با این تعریف دیوارنگاری می‌تواند به تشریح و تبلیغ چهارچوب‌های فکری و ذهنی جامعه که عناصر سازنده هویت‌اند، بپردازد.

تحلیل و تفسیر دستاوردها

بررسی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های هنر دیوارنگاری به‌عنوان یک هنر عمومی در زمینه انتقال معنا و پیام به جامعه و ارتباط آن با حوزه‌های مهم هنر، معماری و شهرسازی و علوم ارتباطات اجتماعی نشان‌می‌دهد که این هنر می‌تواند در زمینه بازآفرینی و بازنمایی ارزش‌های فرهنگی ایفای نقش کند. کارآیی‌های متناظر بر سه عرصه مرتبط با دیوارنگاری شهری را در نظام شهری می‌توان به شرح نمودار شماره ۲ بیان کرد.

نقش هویت‌ساز دیوارنگاری شهری از طریق شناسایی کارکردهای آن در حوزه‌های پیرامونی‌اش شامل «هنرهای تجسمی»، «ارتباطات اجتماعی» و «معماری-شهرسازی» قابل شناسایی و معرفی است. بررسی سه محور «ارزش‌های فرهنگی-هنری»، «ظرفیت گفتمانی و رسانه‌ای» و نیز «کارکردهای زیباسازی و تزیینی» به عنوان حوزه‌های مهم اجتماعی که خروجی و تاثیرات دیوارنگاری در آن ها قابل تشخیص، ارزیابی و تحقق است، بر ما روشن می‌سازد که دیوارنگاری شهری به‌عنوان یک هنر شهری با پشتوانه‌های چشمگیر تاریخی، هنری، فرهنگی و اجتماعی، در زمینه هویت‌بخشی به فضاهای شهری، از قابلیت‌های ویژه‌ای برخوردار است.

این قابلیت در هویت‌های فرهنگی و معنایی نظیر آن چه در هویت ایرانی-اسلامی موردنظر است، اهمیتی دوچندان می‌یابد. چرا که اعلام، اشاعه وتحکیم مواضع فرهنگی و بنیان‌های هویتی در شهرهای ایرانی می‌تواند از طریق آثار دیوارنگاری صورت‌گیرد و آثار دیواری به تطبیق سیمای شهر با هویت و فرهنگ آرمانی آن کمک‌کنند. همچنین این بررسی بر ما روشن‌می‌سازد که دیوارنگاری از طریق سه رویکرد ارتباطی، هنری و کاربردی در حوزه هنر، ارتباطات اجتماعی و معماری-شهرسازی اثرگذار است و برآیند تاثیرات آن در حوزه‌های یادشده می‌تواند به تبیین هویت شهری از طریق این هنر بیانجامد.

[Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2026-11-25]

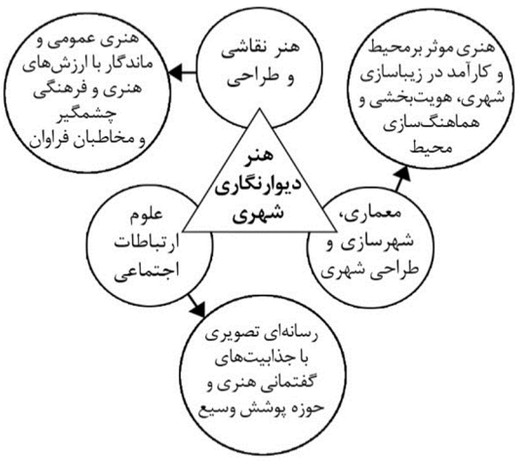

نمودار شماره ۲: کارآیی‌های متناظر بر سه رویکرد موجود در دیوارنگاری شهری

جدول شماره۱: کارکرد و نقش رویکردهای سه گانه دیوارنگاری در عرصه هنرهای تجسمی

رویکرد	عرصه هنرهای تجسمی
هنری	دیوارنگاری زمینه تجلی یکی از اصلیترین و دیرینترین شاخه های هنرهای تجسمی است و به عنوان شکل عمومیت یافته هنر نقاشی، امکان ارایه اثر هنری را در ابعاد کلان و جامعه مخاطب گسترده و نامحدود فراهم می آورد.
ارتباطی	ماهیت عمومی و استقرار اثر دیواری در محیطهای شهری امکان بیان و انتقال گسترده پیام هنرمند و اثر را فراهم میآورد .این جنبه به عنوان مزیتی برای اثر دیوارنگاری در مقایسه با دیگر گونه های هنرهای تجسمی قلمداد می شود.
کاربردی	آثار دیوارنگاری از نظر کاربردی می توانند در اثر هم پیوندی با هنر معماری و ایفای نقش در زمینه طراحی شهری، زمینه های لازم را برای فعلیت بخشیدن به ظرفیت های هنری و زیباشناختی به دست آوردند.

جدول شماره ۲: کارکرد و نقش رویکردهای سه گانه دیوارنگاری در عرصه معماری، شهرسازی و طراحی شهری

رویکرد	عرصه معماری، شهرسازی و طراحی شهری
هنری	محتوای هنری دیوارنگاری به طراحان و معماران این فرصت را می دهد که در انسانی کردن محیط شهری و دلپذیرساختن فضای معماری، از آن بهره بگیرند.
ارتباطی	در توجه به ساختار بیانی سازه های معماری و ماهیت رسانه ای فضاهای شهری، دیوارنگاری به عنوان یک رسانه تصویری موثر می تواند در اختیار شهرسازی و مدیریت شهری قرارگیرد
کاربردی	کارکرد تزیینی و زیباسازی آثار دیواری می تواند به عنوان عامل مهمی برای تلطیف بنا، زیباسازی و پوشش جداره ها مورد استفاده قرارگیرد.

جدول شماره ۳: کارکرد و نقش رویکردهای سه گانه دیوارنگاری در عرصه روابط اجتماعی و علوم ارتباطات

رویکرد	عرصه ارتباطات اجتماعی
هنری	دیوارنگاری به عنوان یک اثر تجمی کلان می تواند بر ادراک و سواد بصری مخاطبان اثر بگذارد .کیفیت ارتباط بصری به عنوان یکی از روش های مهم ارتباطی، وابسته به میزان سواد بصری مخاطب است. آثار تجسمی و رسانه های تصویری می توانند سواد بصری جامعه را ارتقا دهند تا شرایط لازم برای ارتباط بصری مطلوب فراهم شود.
ارتباطی	ظرفیت ارتباطی دیوارنگاری شهری می تواند بسیاری از مقاصد ارتباطات شهری را محقق سازد و مکانیسم ارتباطی آن در اختیار پیام ها و محورهایی که باید به جامعه منتقل شوند، قرارگیرد. مدیریت شهری در زمینه ارتباطات شهری می تواند از دیوارنگاری شهری به عنوان رسانه ای فراگیر استفاده کند.
کاربردی	کارکردهای تزیینی و زیباسازی دیوارنگاری می تواند از طریق هماهنگ سازی، زیباسازی و هویت بخشی، محیط شهری را برای جریان گردش اطلاعات و پیام ها مساعد کند و در زمینه ارتباطات اجتماعی فضایی پذیرا و مطلوب فراهم کند.

[Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2026-11-25]

پی‌نوشت‌ها

۱. دایره‌المعارف بریتانیا واژه ترکیبی نقاشی‌دیواری را نوعی از نقاشی تعریف کرده است که برای تزیینات روی دیوارها و سقف بنا به‌کار می‌رود (Encyclopedia Britannia, v.15, p. 969).

۲. این هنر در طول تاریخ حیات بشر، تداوم داشته و اولین محصول گرایش بشر به بیان هنری قلمداد می‌شود که ضمن تقدم زمانی بر سایر هنرها، به لحاظ فراوانی و تداوم حضور در جوامع، تمدن‌ها، و دوره‌های تاریخی مختلف و همچنین تنوع کاربرد، بر سایر رشته‌های هنری مقدم است.

قدیمی‌ترین نقاشی‌های‌دیواری مربوط به دوره پارینه‌سنگی با قدمتی حدود۳۰ هزار سال مربوط به غارهای آلتامیرا در شمال اسپانیا و غارهای لاسکو در جنوب فرانسه است (گاردنر، ۱۳۸۱). قدیمی‌ترین نمونه‌های به‌دست آمده در ایران مربوط به غارهای میرملاس و هومیان است. توجه و تاکید برباورها و اعتقادات مذهبی در ایران دوره مادها، هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان، نحوه اجرای آثار، عناصر بصری به‌کار رفته، مضامین و پیام‌های آن‌ها را تعیین کرده است.

3. Medium
4. In Fluenction
5. Sharon Zukin (1997)
6. interaction

فهرست منابع

منابع فارسی

اسکندری، ایرج، (۱۳۷۷)، بررسی و تحلیل نقاشی‌دیواری از ماقبل تاریخ تا عصر حاضر، ماهنامه هنرهای تجسمی، شماره۴.

بیجاری، مژگان، سمر، کبیر، (۱۳۸۷)، کاربرد رنگ در شهر، نمادگلستان، شماره هشتم.

جلالی‌فر، فرزانه، (۱۳۸۹)، از تاریخ نگاری تا دیوارنگاری تاریخی، روزنامه شرق، سیزدهم مهر.

حبیب، فرح، (۱۳۸۵)، هماوایی نور و رنگ در فضای شهری ایرانی، فصلنامه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۷.

زنگی، بهنام، آیت‌اللهی، حبیب‌الله، فهیمی‌فر، اصغر، (۱۳۹۱)، بررسی موقعیت اجتماعی نقاشی‌دیواری پس از انقلاب در ایران (با رویکرد جامعه‌شناسی پی‌یر بوردیو)، فصلنامه علمی پژوهشی نگره، شماره۲۳.

زنگی، بهنام؛ آیت‌اللهی، حبیب‌الله، طاوسی، محمود، فهیمی‌فر، اصغر، (۱۳۹۱)، بررسی ظرفیت‌های ارتباطی نقاشی‌دیواری؛ مقایسه نظام ارتباطی نقاشی‌دیواری با نقاشی سه‌پایه‌ای، فصلنامه علمی پژوهشی نامه هنرهای تجسمی، شماره۱۰، پاییز و زمستان.

شاملو، غلامرضا، (۱۳۷۸)، بررسی جنبه‌های تبلیغی نقاشی‌دیواری، رساله دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: دکتر محمدکاظم حسنوند.

شفیعی کمال‌آباد، سعید، (۱۳۹۱)، مبانی نظری توسعه فرهنگی شهرها، مجموعه مقالات همایش علمی مدیریت استراتژیک فرهنگی شهر تهران (ماتریس فرهنگی)، تهران: نشر تیسا.

فهیمی‌فر، اصغر، (۱۳۹۱)، ضرورت آموزش نقاشی دیواری در دانشگاه‌ها، فصلنامه پژوهش‌هنر، شماره نخست، ۲۳-۲۵.

کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، مترجم: حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.

کفشچیان‌مقدم، اصغر، (۱۳۸۳)، بررسی ویژگی‌های نقاشی‌دیواری، فصلنامه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره۲۰، ۶۷-۷۸.

کفشچیان‌مقدم، اصغر، (۱۳۸۵)، چگونه یک نقاشی‌دیواری را ساماندهی کنیم، ماهنامه هنرهای تجسمی، شماره25 .

گاردنر، هلن. (۱۳۸۱)، هنر در گذرزمان. ترجمه: محمدتقی فرامرزی، تهران: انتشارات نگاه

محمدبیگی، مینا، (۱۳۸۸)، «نقاشی‌دیواری»، ماهنامه بین‌المللی راه و ساختمان، شماره۵۹.

مرادی، سلمان، (۱۳۸۶)، «هنر عمومی و تلفیق آن در فضای شهری»، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، شماره۸.

معیدفر، سعید، (۱۳۹۱)، مدل مطلوب مدیریت و توسعه فرهنگی شهر تهران، مجموعه مقالات همایش علمی مدیریت استراتژیک فرهنگی شهر تهران (ماتریس فرهنگی)، تهران: نشر تیسا.

ملکی، لادن، حبیبی، میترا، (۱۳۹۰)، ارزیابی کیفیت محیط درمحله‌های شهری، فصلنامه علمی‌پژوهشی نامه معماری وشهرسازی، شماره۷.

ملکی، محمدرضا، پارسا، سپیده، مرادی، ابراهیم، وثیق، بهزاد، (۱۳۹۲)، بازشناسی معماری و شهرسازی اسلامی در دوران معاصر، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال سوم، شماره۱۲ ، ۱۰۱ -۱۰۷

مهین‌فر، فاطمه، بلخاری قهی، حسن، (۱۳۹۱)، جایگاه هویت نظام بصری تهران قدیم و کاربرد آن در دوره معاصر، مجموعه مقالات همایش علمی مدیریت استراتژیک فرهنگی شهر تهران (ماتریس فرهنگی)، تهران: نشر تیسا.

منابع غیرفارسی

Azadi, Bahamin, 2012, Art | Painted Politics: The Mural in Modern Iran.

ENCYCLOPEDIA BRITANNICA. 'mural': www.britannica.com/EBchecked/topic/397882/mural

Varner, Stewart, 2007, Youth claiming space: the case of Pittsburgh Mr. Roboto project in youth cultures subcultures tribes, eds. By Paul Hodkinson and Wolfgang Deicke, London: Routledge, 161- 175.

Petruccioli, attilio, Khalil k. pirani, (2002), understanding Islamic architecture, aga khan program for Islamic architecture Rutledge.

Zukin, Sharon(1997), The Culture of Cities, Cambridge,London: Blackwell

[Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2026-11-25]